

تجاوز جنسی میلیشیای افغانی به زنان افغان

جاه طلبان جنگ افروز مردم بی پناه را ترور می کنند

* «مردم از ترس جان ساکت اند!»

سازمان زنان افغانی (RAWA)

۱۵ فوریه ۲۰۰۲

۰۳٪ پنج تنی که ماه گذشته به فاطمه، یک دختر ۱۴ ساله افغانی، مادر و دو خواهر کوچکتر او حمله و تجاوز کردند، از قانون هیچ ترسی ندارند.

آنها بمدت ۸ ساعت به نوبت به این دختر، مادرش نازو و دو خواهر ۱۰ ساله و ۱۲ ساله او تجاوز کردند و در این مدت کلاشینکف خود را به طرف پدر معلول فاطمه گرفته و او را تهدید می کردند. سپس هنگام ترک محل، تمام نقدینه آنها را که حدود ۱۴۲ دلار می شد و فرش اتاق نشیمنشان را هم ربودند.

متجاوزان، روز بعد به محل بازگشته و به خانواده اخطار دادند که مبادا به جایی شکایت کنند. پدر خانواده گفت: «آنها اخطار دادند که در غیراینصورت همه ما را خواهند کشت.»

بنا به تشخیص این خانواده، متجاوزان از سربازان ارتش سرلشکر «عبدالرشید دوستوم» بودند که به «جنبش ملی» معروف است. این افراد، از زمان سقوط طالبان، سابقه ترور کردن شهروندان عادی افغانی را در منطقه شمالی بلخ دارند.

با وجود اینکه جنگ تمام شده، ولی سربازان «دوستوم» (که اغلب از یک و بعضی هم تاجیک هستند) هر شب به مردم پشتو که بیشتر طرفدار طالبان بودند، حمله کرده، افزون بر دزدی به زنان آنها تجاوز هم می کنند.

اینها همه نشانگر این است که رژیم کنونی قادر نیست بر سراسر افغانستان قانون را پیاده کند. امیرجان می گوید:

«به خانه های مردم حمله می شود. به زنان تجاوز می شود. ولی مردم بخاطر تهدیدهایی می شود، صدایشان در نمی آید.» امیرجان که رهبر اقلیت پشتو در بلخ است، افزود:

«مردم از ترس جان ساکت اند.»

ترس از مجازات، چنان مردم را به وحشت انداخته که حتی کمک رسانان بین المللی هم لب از لب باز نمی کنند.

یکی از مقامات بالای یکی از مراکز کمک رسانی گفت: «من شنیده ام که این اعمال بوسیله قدرتمندان جنگ افروز محلی صورت گرفته است.»

از آنجایی که همه سکوت می کنند، مشکل می توان تعداد قربانیان این تجاوزات را دریافت. طرفداران «دوستوم»، فعلاً به خاطر قدرتی که رهبرشان دارد، نانشان در روغن است. از طرف دیگر پلیس محلی با نیروی کم انسانی و نداشتن سلاح کافی در برابر این متجاوزان خلع سلاح شده است.

حمزه که رئیس پلیس بلخ است، می گوید:

«فرماندهان جنبش از سربازان خود دفاع می کنند و از دست ما کاری بر نمی آید.»

حمزه افزود که گزارشات زیادی در مورد حمله و غارت خانه ها به او رسیده است، اما در زمینه تجاوز به زنان فقط یک شکایت آمده. او گفت که آن هم قطعاً خیلی بیشتر است، اما مردم جرأت شکایت ندارند. حمزه سپس ادامه داد که در برابر ۱۰۰ نفر از افراد پلیس او، جنبش ۸۰۰ سرباز دارد. او حتی یکی از تجاوزگران به فاطمه و مادر و خواهرانش را می شناخت و گفت که آن شخص نزدیک خانه آن خانواده زندگی می کند، اما حاضر نبود با آن سربازها در افتد.

«دوستوم» که ۴۷ ساله است در شمال افغانستان به هرگونه حرکت وحشیانه و جنایتی معروف است. در گذشته هم از طرف گروه های طرفدار حقوق بشر محکوم شده است.

سابقه او به سال ۱۹۸۹ زمان محمد نجیب الله و دوران پس از عقب نشینی ارتش شوروی باز می گردد. «دوستوم» در سال ۱۹۹۲ آنگاه که متوجه شد مجاهدین، دولت نجیب الله را سرنگون خواهند کرد، طرف عوض کرد. پس از آن در حلقه اطراف کابل، سربازان او، مردان زیادی را کشته و به زنان و کودکان بسیاری تجاوز کردند.

هفته گذشته، در ضد و خوردی که بین جنبش و نیروهای «دوستوم» شد، تلاش شد تا آن ۳۰۰۰ تن از ارتش «دوستوم» را که باعث کشته شدن حدود ۵۰ نفر از مردم عادی شده بودند، خلع سلاح شوند. در این میان دولت سعی کرد تا هر دو رهبر جنگ افروز را به جمع آوری میلیشیای خود از کف خیابان ها تشویق کند.

آنها در کوچه و بازار جلوی مردم را گرفته، هر چه دارند را می دزدند. بعضی از مقامات محلی معتقدند که جلوی «دوستوم» را فقط دولت و مقامات بین المللی می توانند بگیرد. هنگام روی کارآمدن دولت جدید، وی را معاون وزیر دفاع کردند، تا احتمال سرنگون کردن دولت جدید را از او بگیرند.

به عنوان یک مقام دولتی، «دوستوم» به هر جا سفر می کند، نیروهای نظامی مخصوص ایالات متحده آمریکا، او را همراهی می کنند.

مردم کابل:

در زمان طالبان احساس امنیت بیشتری میکردیم!

RAWA سازمان زنان افغانستان

۲۵ ژانویه ۲۰۰۲ از طریق هندوستان تایمز

بیش از ده هفته از فرار طالبان از شهر کابل نمی گذرد که افغانی های ساکن کابل، به این نتیجه رسیده اند که در زمان طالبان امنیت بیشتری داشتند.

قتل ها، دزدی ها، آدم دزدی ها، زد و خورد های بین جناح های قدرت در شمال و جنوب کشور و راهزنی ها در جاده های اصلی بین شهری خوش بینی و امیدواری را که دولت جدید، با روی کارآمدن در روز ۲۲ دسامبر، نوید آترا می داد، نقداً از بین برده است.

فرانسیس وندرل، یکی از مقامات بالا در سازمان ملل متحد گفت که در مورد امنیت داخلی کشور در افغانستان «زمینه هایی برای نگرانی» وجود دارد. او هم چنین اضافه کرد: «صدها هزار نفر در افغانستان مسلح هستند.»

وندلر گفت که وضعیت جنوب کشور هنوز «نامعلوم» است و ممکن است به ۳۰۰۰۰ سرباز بین المللی نیاز باشد تا بتوان امنیت را در

شهرهای اصلی و راه های ارتباطی به مناطق جنگی برقرار نمود.

نیروی کمکی امنیت بین المللی به ۴۵۰۰ نفر و محدوده کابل تمام می شود و صرفاً برای پشتیبانی از دولت جدید استقرار یافته است. در کابل که هنوز رفت و آمد شبانه ممنوع است، اغلب شبها صدای تیراندازی و انفجار شنیده می شود. به گزارش ساکنان کابل در یک شب سه نفر کشته شدند.

سخنگوی سفارت آمریکا، جان کین کنون، اعلام کرد که هفته گذشته در کابل، یک «بمب آتش زا» پای یکی از دیوارهایی که سفارت آمریکا را بوسیله گارد مسلح شدیداً محافظت می کرد، منفجر شد. او سپس افزود که در این حادثه کسی صدمه ندید.

منابع دیپلماتیک در کابل می گویند که وضع کابل قطعاً رو به ناپایداری هرچه بیشتر می رود. یکی از این دیپلمات ها گفت که این امری «روشن» است. حدود ۷۰۰۰۰۰ نفر شهروند در کابل مسلح می باشند که «فرهنگ کلاشینکفی» دارند. «آنها نمی خواهند سلاح خود را زمین بگذارند.»

بعضی از قسمت های شهر، مناطق خطرناک برای رفت و آمد بشمار می آیند و مردم شب ها با احتیاط تمام در و پیکرهای خود را قفل می کنند. یکی از دیپلمات ها گفت: «مردم احساس امنیت نمی کنند، به همین دلیل از نیروی کمکی امنیت بین المللی استقبال می کنند.»

رئیس پلیس کابل، عبدالصیرخان سلنگی، وجود هر گونه ناامنی را در کابل رد کرده، گفت: «آنان که چنین ادعایی دارند، از دشمنان ما هستند و می خواهند دولت را بی اعتبار کنند.»

رئیس پلیس کابل مدعی است که نیروی پلیس کابل کنترل را کاملاً در دست دارد. اما او به هر حال اعتراف کرد که خودش تنها از ۱۰ درصد نیروی امنیتی در کابل رضایت دارد و پلیس او فقط ۱۰ تا ۱۲ دستگاه اتومبیل گشتی دارد، در حالی که اقلاباً به ۲۵۰ دستگاه نیاز است.

مسائل امنیتی در سایر قسمت های کشور هم در هفته گذشته شدیدتر شد و علت آن این بود که سیدنورالدین معاون عبدالرشید رستم، رهبر نظامی اقلیت ملی ازبکی، اعلام داشت که انتظار می رود تا جنگی در همین روزها در اطراف «قلاع زال»، در ۶۰ کیلومتری شمال غربی «کندوز» رخ دهد.

یک منبع سازمان امنیتی روز پنج شنبه افزود که رهبران دو طایفه در جنوب شهر خست، در زمینه کسب قدرت با هم اختلاف دارند که می تواند به شکل یک درگیری رو در رو بیرون بزند.

«زنان باید در بازسازی افغانستان دخالت داشته باشند»

نوشته: مارشاری من Marsha Freeman

ترجمه: شهرزاد ارشدی (موتربال)

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۹ زمانی که معاهده بین المللی را در رابطه با حقوق انسانی زنان پذیرفت، اولین کشور در لیست سازمان ملل که وضعیت حقوقی زنان باید مورد توجه قرار می گرفت، افغانستان بود.

در آشننگی های اخیر، لحظه مذکور مبهم و تار به نظر می رسد و به مرز نابودی نزدیک است. بعد از قدرت گرفتن طالبان، تصویر زن افغانی در «برقع» (حجاب زنان افغان) تمثیل و سمبلی ژرف از بی عدالتی و بی حقوقی زنان افغانستان بود که به نظر فراموش نشدنی می آمد.

اکنون تصویر زنان افغان سمبل شکست طالبان شده و «حقوق زنان» تیترا تمام خبرگزاری های بین المللی است. اما ناگفته نماند که حافظه سیاسی کوتاه است و حافظه اجتماع کوتاه تر.

زنان باید در پروسه بازسازی افغانستان از آغاز و برای همیشه دخیل باشند. بدون تعهد و دخالت زنان، فشار و ستم دوباره جای پای خود را مستحکم خواهد کرد، اما این بار به جای تعلیمات مذهبی درنده و حریص در لباس حفظ و حراست فرهنگ ملی ظاهر خواهد شد.

هرگز زندگی برای اکثر زنان افغان آسان نبوده و آزادی فردی به سختی وجود داشت. با این وجود در دوران شاه تبعیدی و در دوران کنترل شوروی، حداقل زنانی می توانستند از حقوق موجود مثل تحصیل، کار و بهداشت مناسب استفاده کنند. بسیاری از آن زنان هم اکنون در تبعید بسر می برند. بسیاری در کمپ های پناهندگی و بسیاری نیز کابل را به طرف منطقه تحت کنترل سربازان شمال ترک کردند. هزاران زن نیز پوشانده در «برقع» و زندانی در چاردیواری خانه هایشان.

در چنین شرایطی زنانی شجاع ساکت ننشستند، مخفیانه یا در تبعید به تأسیس گروه های زنان دست زده تا آرزوی آزادی افغانستان را زنده نگهدارند، رؤیای کشوری که زنان دوباره در اجتماع فعال باشند، کار کنند و دخترانشان اجازه تحصیل داشته باشند. در هفته های اخیر همگان یکصدا اعتقاد دارند، زنان باید صدای واقعی در بازسازی افغانستان داشته باشند.

لاخدار براهیمی (Lakhdar Brahimi) نماینده مخصوص سازمان ملل اظهار داشت، بازسازی باید با حضور زنان همراه باشد و دولت آمریکا نیز باوری مشابه دارد!

هفته گذشته طبق پیمان نامه ای دولت موقت افغانستان به مدت ۶ ماه برای آغاز بازسازی کشور تشکیل شد. در این کابینه ۲۹ نفره دو زن وجود دارد.

حقیقتاً بین اظهارات رسمی در سازمان ملل و میز مذاکره در پیشاور یا کابل، دره ای عمیق وجود دارد که از حتی اشاره به آن بیمناک هستیم. در کنار حضور تعداد انگشت شماری زن در کنفرانس بُن، تصویر دیگری حافظه را پُر می کند. عکس رهبران تبعیدی افغان در جلسه ای برای سازماندهی دولت بعد از طالبان که در پاکستان گردهمایی داشتند، حتی یک زن نیز در آن عکس دیده نمی شود.

هرچند به قول روزنامه تایم تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۱: «مردان در کابل بعد از فرار طالبان لحظه ای را برای تراشیدن ریش هایشان هدر ندادند»، زنان با احتیاط بیشتر قدم برمی دارند. بسیاری هنوز حجاب هایشان را دارند. آزادشدن زنان افغانستان شرکت تعداد قابل ملاحظه آنان در میز مذاکرات، تثبیت موقعیت شان به عنوان شهروندانی تمام و کمال بیشتر از چند کلمه و یا جمله از طرف سران سازمان ملل لازم دارد. فرهنگ سنتی افغانستان صددرصد از شرکت کامل زنان در اجتماع حمایت نمی کند. شاید تعدادی زن در دوران شاه سابق در جامعه فعال بوده و یا تعدادی نیز نماینده پارلمان بودند. اما هیچ گاه جزو قانون گذاران مملکت نبوده اند و اکثریت چشم گیری بی سواد در چهارچوب خانه در بند بودند.

تاریخ انقلاب و بازسازی دولت ها به نفع زنان کار نکرد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زنان در پس آیند آن نامرئی بوده و حضورشان هم چنان ده سال بعد نیز در دایره بالائی دولت نادر است. زنان در بوسنی، هرزگووینا کجا هستند؟ در کوسوو؟ در رواندا؟ در کامبوج؟ حتی در آفریقای جنوبی جایی که برای انتقال صلح آمیز قدرت نقش چشم گیری بازی کردند، زنان هنوز برای بدست آوردن اعتبار و امکانات دست و پنجه نرم می کنند.

شرکت فعال زنان برای بازسازی ملتی تنها با حضور چند زن خوش بیان و تحصیل کرده امکان پذیر نیست، بلکه خواستار تلاش و

سخت کوشی برای درازمدت، یعنی اختصاص پول، پرسنل کاردان برای آموزش سیاسی، سوادآموزی، نگهداری از کودکان و کارآموزی حرفه ای ست. یعنی حمایت برای پرورش صلاحیت و استعدادها، آموزش زنان تا بدانند و بتوانند به قدرت خود متکی باشند و صدای رسائی در تصمیم گیری برای زندگی خود و خانواده هایشان داشته باشند. یعنی، بازسازی و بازرسی سیستم انتخاباتی و برنامه های توسعه برای فعالیت زنان در اجتماع، و قدرت تصمیم گیری تابه میل و علاقه خود قدم بردارند. چنین دنیایی حقیقتاً دنیایی انقلابی خواهد بود.

* مارشا فری من، استاد ارشد دانشگاه مینی سوتا و رئیس پروژه بین المللی بازرسی فعالیت حقوق زنان می باشد.

«حقوق شهروندی خود را حفظ کنیم»

گزارش:

در تاریخ ۱۳ فوریه جلسه ای از طرف فدراسیون زنان کبک تحت عنوان «حقوق شهروندی را حفظ کنیم» درباره قوانین ضد تروریسم با شرکت بیش از سیصد نفر در مرکز St-Pierre برگزار شد. مجری این جلسه خانم وی وین باریو، رهبر فدراسیون زنان کبک چنین آغاز کرد: «برشت گفته است وقتی آمدند کمونیست ها را دستگیر کنند اعتراضی نکردم چرا که کمونیست نبودم، وقتی یهودیان را دستگیر کردند اعتراضی نکردم زیرا یهودی نبودم. کاتولیک ها را گرفتند باز هم دم بر نیاوردم ولی وقتی برای دستگیر کردن آمدند دیگر کسی نمانده بود تا اعتراضی کند.»

در این برنامه سندیکالیست و فمینیست ثابت قدم کبک خانم مادلن پیران که اکنون به مرز ۸۲ سالگی رسیده است درباره مقایسه قانون ضد تروریسم با قوانین دوران مک کارتی سال های ۱۹۵۰ در آمریکا و بگیر و ببندهای پلیسی و اعدام انسان های شریف تحت عنوان مبارزه با کمونیسم پرداخت و بازتاب آن را در کبک در دوران Duplassi یادآور شد. خانم «امانت تبالین» از طرف کنگره زنان سیاه پوست کانادا صحبت هایش را چنین آغاز کرد: در سال های ۱۹۷۰ وقتی از دیکتاتوری دووالیه در هائی تی به کانادا پناهنده شدم خود را در دوران حکومت نظامی و قوانین جنگی در کبک آن سال ها روبرو دیدم ولی شباهت به این روزها نیست. آقای ژرژ بلانژه، وکیل از انجمن قضات آمریکا در زمینه ضدموکراتیک بودن این قانون با اشاره به اینکه اگر از دست دادن آزادی های موجه و معترض نباشیم به مرور آنها را از دست خواهیم داد.

سپس خانم الابه شکرانی از طرف انجمن زنان ایرانی در مونترال درباره تأثیر قانون ضد تروریسم بر خانواده های مهاجرین سخن گفت که چگونه ندانستن زبان، غربت، محدودیت های مالی، نبود حمایت خانواده، نشناختن قوانین این سرزمین آنان را هرچه بیشتر به حاشیه نشینی می کشاند.

«آنانکه میهن خود را به دلیل نبود آزادی ترک گفته اند دیگر بار خود را در معرض خطر می بینند و بیش از پیش منفعل شده، از مشارکت در هر حرکت اجتماعی، حتی در مواردی از گردهمایی های دوستانه از وحشت گرفتارآمدن خودداری می کنند. وی مزاحمت هائی را که از طرف همسایگان و پلیس به مناسبت مراسم عزاداری برای خانواده های مسلمان پیش آمده بود یادآور شد و در مجموع خاطرنشان این موضوع اساسی گردید که دموکراسی حاکم بسیار شکننده است و اگر آن را پاس نداریم به راحتی از دستش خواهیم داد.

ماتی که صدای پای فاشیسم به گوشمان آشناست بخوبی واقفیم که در مقابل هر یک قدم عقب نشینی دو قدم پیش روی او امری طبیعی است و ناگاه بیدار می شویم که دیگر کار از کار گذشته است.»

گفتنی است این برنامه با پرسش و پاسخ شرکت کنندگان پایان گرفت و چند بار هم از رادیوهای مختلف پخش شد. مونترال ۱۵ فوریه